



تحلیل شخصیت سعدی بر اساس تیپ‌های شخصیتی (برون‌گرایی - درون‌گرایی)

علی‌رضا صادقی^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد مشهد

محمود مهدوی دامغانی^۲

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۴ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۴

چکیده

برون‌گرایی (Extraversion) و درون‌گرایی (Introversion) از جمله صفت‌های شخصیتی در نظریه شخصیت انسان است. این دیدگاه توسط کارل گوستاو یونگ در سال ۱۹۲۰ میلادی عمومیت یافت. پس از یونگ، دیگر نظریه‌پردازان شخصیت با رویکرد صفات در شخصیت از جمله هانس آیزنک به موضوع تیپ‌های شخصیتی پرداختند. هر دو صفت برون‌گرایی و درون‌گرایی، در شخصیت تمامی انسان‌ها وجود دارد و اغلب به آن به شکل یک زنجیره پیوسته واحد نگریسته شده است. بنابراین، همه انسان‌ها هر دو گرایش برون‌گرایی و درون‌گرایی را دارند، ولی یکی از آن دو بر دیگری غالب است و افراد با آن وجه غالب معرفی می‌شوند. سعدی یکی از بزرگ‌ترین شاعران ادب فارسی است. علاوه بر آنکه سخنش در فصاحت، بلاغت و زیبایی در اوج قرار دارد، محتوای سروده‌ها و نوشته‌هایش نیز همواره مورد توجه بوده و به شیوه‌های گوناگون مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. بسیاری از اندیشه‌های سعدی با مفاهیم روان‌شناختی امروز قابل تطبیق‌اند. برای شناخت بهتر شخصیت او، با بررسی و تحلیل آثار و نوشته‌ها و اشعارش با تکیه بر بوستان و گلستان، و تطبیق مفاهیم آن‌ها با تعریف و ویژگی‌های افراد درون‌گرا و برون‌گرا، در پی آنیم که شخصیت سعدی را از این زاویه بنگریم و خواهیم دید سعدی بر پایه آثار اصلی و ممتازش و تحلیل روان‌شناختی آن‌ها، شخصیتی برون‌گرا دارد. ویژگی شخصیتی سعدی بر اساس تیپ‌های هشت‌گانه شخصیتی یونگ و نظریه صفات آیزنک به دو تیپ شخصیتی برون‌گرای حسی و برون‌گرای شهودی نزدیک‌تر است.

واژه‌های کلیدی: روان‌شناسی شخصیت، تیپ‌های شخصیتی، درون‌گرایی، برون‌گرایی، یونگ، آیزنک، سعدی

¹ Email: arsl352@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

² Email: m_mahdavidamghani@yahoo.com





Analyzing Sa'adi's personality based on Personality Types

Alireza Sadeqi¹

Ph.D. Candidate, Azaad University of Mashhad Branch

Mahmoud Mahdavi²

Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Received: 2020/3/23 | Accepted: 2020/6/3

Abstract

Extroversion and introversion, two main personality traits in the theory of personality, were introduced by Carl G. Jung in 1920. Other theorists like Hans Eysenck have extended Jung's ideas into personality types. Being part of every human being's psyche, these two personality traits have been often viewed as monolithic entities. Sa'adi is a great author whose works have been discussed both for highly elevated language and eloquence and for their rich themes. Many of Sa'adi's writings can be matched with modern psychological concepts. Looking at Sa'adi's *Golestan* and *Boostan*, the present article is going to view his personality in light of the two concepts of extraversion and introversion. It has been discussed here that Sa'adi, based on his writings, can be categorized more as an extrovert than an introvert. Finally, according to Jung's eight personality types and Eysenck's personality theory, Sa'adi can be classified as extraverted sensing or extraverted intuition.

Key Words: Jung, Personality Types, Introversion, Extroversion, Sa'adi, Eysenck, Psychology of personality

¹ Email: arsl352@yahoo.com (Corresponding Author)

² Email: m_mahdavidamghani@yahoo.com



۱. مقدمه

«نقد روان‌شناختی» یا «نقد روان‌شناسانه» مبحث جدیدی است که امروزه در نقد آثار ادبی حائز اهمیت است. نقد روان‌شناختی یکی از مبانی و روش‌های مهم در نقد ادبی نوین است. رابطه ادبیات و روان‌شناسی از دیرباز مورد توجه بوده است. روان‌شناسی می‌تواند رابطه میان هنرمند و اثرش را بازگو کند؛ چون اثر، زاده روح خالق است پس مخلوق او که همان اثر می‌باشد نیز دارای روح و روان است و محتوای هر اثر ادبی از خصوصیات درونی و ویژگی‌های روانی خالق آن جدا نیست. روان‌شناسی به بحث و بررسی حالات روحی و روان آدمی می‌پردازد؛ از دیگر سو، ادبیات حاصل لحظات روحی و روانی خاص و محصول ذهن و روان شاعر و نویسنده است. پس با روان‌شناسی می‌توان ادبیات را مورد کنکاش قرار داد و آن را واکاویید. «نگاه روان‌شناسانه به آثار ادبی (از دیدگاه ناقدان، آن‌جا که حرف از ناخودآگاه نویسنده است) می‌تواند به کشف برخی از درونه‌های ژرف نویسنده کمک شایانی کند؛ به یقین که این درونه‌ها خبر از رویدادهای فرهنگی جامعه می‌دهند که در هیچ کتاب تاریخی بیان نشده است. در واقع از این نقطه نظر، می‌توان پاسخ آن‌هایی که ادبیات را تکرار مکررات تاریخ می‌دانند، داد» (اشرف‌زاده و روح‌بخش مبصری، ۱۳۹۵: ۱۵۱).

سعدی شاعر بزرگ ادبیات فارسی و ایران زمین، همواره سخنش مورد توجه خاص و عام بوده است و در کنار نقد ادبی که در آن به بیان مسائل بلاغی و زیبایی‌ها و صور خیال شعر سعدی پرداخته‌اند، محققان و دانش پژوهانی نیز از زوایای مختلفی به محتوا و مضمون کلام او توجه کرده‌اند.

بسیاری از مقالات که در حوزه روان‌شناسی آثار ادبی و از جمله سعدی تحریر شده‌اند، به روان‌شناسی شخصیت‌های درون آثار آن‌ها پرداخته‌اند که بیشتر آن‌ها، شخصیت‌هایی داستانی یا مخلوق خیال خالق اثر هستند و کمتر به شخصیت خود نویسنده اشاره کرده‌اند. این مقاله می‌کوشد تا به کمک علم روان‌شناسی به تحلیل شخصیت سعدی

بپردازد و بر مبنای متن آثار مکتوب و به جای مانده، به ویژه دو اثر گران‌سنگ او یعنی «بوستان» و «گلستان»، نوع تیپ برون‌گرا یا درون‌گرای او را مشخص کند و نشان دهد که سعدی شخصیتی برون‌گرا دارد و برای این منظور از دو نظریه تیپ شخصیتی یونگ و آیزنک بهره برده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون از دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی درباره سعدی و آثارش مطالعات فراوانی شده است که از آن جمله می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد:

مقاله «بررسی عناصر طنزآمیز در کلام سعدی و ذکر پاره‌ای از نکات روان‌شناسی»؛ به معرفی شخصیت‌هایی پرداخته است که دستمایه طنز سعدی قرار گرفته‌اند (ابراهیمی‌پور: ۱۳۸۹).

مقاله «نقد روان‌شناختی گلستان سعدی»؛ به بیان تطبیق روش‌ها و محتوای تعلیم و تربیت به ویژه در گلستان، با یافته‌های روان‌شناسان پرداخته‌اند (نظری و دیگران: ۱۳۹۱).

مقاله «تحلیل شخصیت در آثار سعدی و تطبیق آن با روان‌شناسی شناختی جورج کیلی»؛ که تحلیل ابعاد شخصیت در آثار سعدی و تطبیق آن با دیدگاه روان‌شناسی جورج کیلی است (جوکار و دیگران: ۱۳۸۸).

مقاله «تفرد در آثار سعدی در پیوند با سایه، نقاب و آنیما»؛ که نویسندگان از زاویه نقد کهن‌الگویی مجموعه گسترده‌ای از مفاهیم نمادین و آرکی‌تایپ‌ها در آثار سعدی را بررسی کرده‌اند (تلخایی و عقدایی: ۱۳۹۴).

مقاله «روان‌شناسی عشق در غزل سعدی»؛ که در آن به جنبه‌های جسمانی و روحانی عشق اشاره کرده‌اند (نظری و کمالی: ۱۳۹۶).

همچنین در مقالاتی، موضوع برون‌گرایی و درون‌گرایی خالقان آثار ادبی را بررسی کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به مقاله کریم‌پور و خزانه‌دارلو (دوفصلنامه علوم ادبی، ۱۳۹۵، دوره ۶، شماره ۱۰) اشاره کرد که در آن نویسندگان شخصیت زیدری نسوی، نویسنده کتاب نفته‌المصدر را بر اساس نظریات دو روان‌شناس مشهور، یونگ و هالند، از بُعد درون‌گرایی و برون‌گرایی مورد واکاوی قرار گرفته و ابعاد فرعی شخصیتی برون‌گرای

اجتماعی، هنری، جست‌وجوگر، احساسی و شهودی و درون‌گرایی حسی در شخصیت وی باز شناخته شده است. مورد دیگر مقاله «تحلیل محتوای اشعار حافظ و سعدی بر اساس تیپ شخصیتی (درون‌گرایی - برون‌گرایی)» (میرهاشمی: ۱۳۸۴) است که در آن نویسنده بر اساس روش تحلیل محتوا و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی منظم و روش‌های آماری و روش مجذور خی دو و درصد فراوانی ابیات، که پایه و ملاک سنجش کار ایشان است، به نتایجی رسیده است. اما روش کار ما از اساس با مقاله مذکور متفاوت است. قصد ما در این مقاله مقایسه بین دو شاعر نیست و پایه و ملاک کار ما برای اثبات برون‌گرایی و درون‌گرایی، بیت نیست. بلکه برپایه تحلیل محتوا و اشعار و آثار سعدی، به ویژه دو کتاب ارجمند او، بوستان و گلستان است.

۱-۲. تعریف روان‌شناسی شخصیت

از شخصیت، تعریف‌های مختلف و گوناگونی ارائه شده است و همه نظریه‌پردازان شخصیت در یک تعریف واحد هم‌نظر نیستند. «شخصیت عبارت است از الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها یا ویژگی‌هایی که تا اندازه‌ای به رفتار افراد دوام می‌بخشد» (فیست و فیست، ۱۳۸۸: ۱۲). چون انسان‌ها منحصر به فردند، شخصیت آن‌ها نیز علی‌رغم شباهت‌ها، دارای ویژگی خاص است که باعث تمایز از دیگران می‌شود. بنابراین می‌توانیم بگوییم: «شخصیت مجموعه‌ای از ویژگی‌های بادوام و منحصر به فرد است که امکان دارد در پاسخ به موقعیت‌های مختلف، تغییر کند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۴: ۱۲). واژه شخصیت (Personality) ریشه لاتین دارد و از واژه (Persona) در معنی نقاب و ماسکی که در گذشته بازیگران یونان و روم باستان بر چهره می‌گذاشتند، برگرفته شده است. پرسونا و ماسک اشارتی تلویحی به این موضوع است که همان‌گونه که ماسک هر فرد وجه تمایز او از دیگران است، شخصیت افراد نیز با یکدیگر متفاوت است.

۱-۳. تیپ‌های شخصیتی (برون‌گرا و درون‌گرا)

مطابق نظریه روان‌شناسان صفات، انسان‌ها دارای دو بُعد شخصیتی اصلی درون‌گرایی

و برون‌گرایی هستند. ضمن اینکه این دو بُعد هیچ‌گاه از هم جدا نیستند و تمامی افراد آنها را همزمان و همراه با هم دارا هستند. تفاوت آنها تنها در غلبه یکی بر دیگری است. «نگرش مسلط، رفتار و هشیاری فرد را هدایت می‌کند، با این حال نگرش غیر مسلط با نفوذ می‌ماند و بخشی از ناهشیار شخص می‌شود» (همان: ۱۵۵). در واقع، هر کدام از این دو تیپ دارای خصلت‌ها و ویژگی‌های خاص خود هستند. زودرنجی، در رؤیای بیداری بودن، در بیشتر موارد خجالتی، کناره‌گیر، خودداری از شرکت در موقعیت‌های اجتماعی، احتیاط و محافظه‌کاری، خویش‌داری، متوجه درون خویش بودن، ساکت بودن، در بیشتر زمان‌ها خیالاتی، اندیشه‌ورز و...، ویژگی‌های مهم افراد درون‌گرا را تشکیل می‌دهند و برعکس، افراد برون‌گرا با خصیصه‌هایی نظیر: ترجیح کارهای گروهی به کارهای انفرادی، صراحت در گفتار، واقع‌گرایی، معاشرتی بودن، جسارت در ارتباطات اجتماعی، سرزنده بودن، داشتن آسودگی خاطر و... مشخص می‌شوند.

۱-۴. چارچوب نظری پژوهش

کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung) (۱۸۷۵-۱۹۶۱) روان‌شناس و روان‌کاو سوئیسی، اولین کسی است که در کنار وضع و ابداع مفاهیمی هم‌چون: ناخودآگاه جمعی، سایه‌ها، پرسونا، عقده‌ها، آنیما و آنیموس، مبحث تیپ‌های شخصیتی را مطرح کرده‌است. او در سال ۱۹۱۵ م. برای اولین بار بحث قطبیت‌های برون‌گرا و درون‌گرا را مطرح کرد. بعدها این نظریه به نظریه «تیپ‌های هشت‌گانه یونگ» معروف شد.

«یونگ تشخیص داد که انواع مختلف برون‌گرایان و درون‌گرایان وجود دارد... یونگ چهار کارکرد روان را مطرح کرد: حس کردن، شهود، تفکر و احساس» (همان: ۱۵۵). او در ادامه بر اساس تعامل‌های دو نگرش درون‌گرایی و برون‌گرایی و چهار کارکرد مذکور، هشت تیپ روانشناختی فرعی را معرفی کرد: ۱. برون‌گرای متفکر؛ ۲. برون‌گرای احساسی؛ ۳. برون‌گرای حسی؛ ۴. برون‌گرای شهودی؛ ۵. درون‌گرای متفکر؛ ۶. درون‌گرای احساسی؛ ۷. درون‌گرای حسی؛ ۸. درون‌گرای شهودی.

خلاصه نظریه یونگ به شرح جدول زیر است:

تیپ‌های روان‌شناختی بونگ	
برون‌گرای متفکر (Extraverted thinking)Te	منطقی، واقع‌بین، متعصب
برون‌گرای احساسی Extraverted feeling (Fe)	عاطفی، حساس، معاشرتی، بیشتر نمونه زنان است تا مردان
برون‌گرای حسی Extraverted sensation(Se)	معاشرتی، لذت‌جو، سازش‌پذیر
برون‌گرای شهودی Ne)(Extraverted intuition	خلاق، قادر به برانگیختن دیگران و غنیمت شمردن فرصت‌ها
درون‌گرای متفکر Introverted thinking(Ti)	به عقاید بیشتر از افراد علاقه دارد
درون‌گرای احساسی Introverted feeling (Fi)	تودار، خویشان‌دار، با این حال قادر به هیجان عمیق
درون‌گرای حسی Introverted sensation (Si)	در ظاهر بی‌اعتنا و خشک، خود را در فعالیت‌های هنرشناختی ابراز می‌کند
درون‌گرای شهودی Introverted intuition(Ni)	با ناهشیار بیشتر از واقعیت روزمره ارتباط دارند

جدول شماره ۱ (همان: ۱۵۷ - ۱۵۶).

۲. صفات شخصیتی آیزنک

هانس آیزنک (Hans Eysenck) (۱۹۱۶-۱۹۹۷) فرد برون‌گرا و درون‌گرا را به صورت زیر توصیف می‌کند: «فرد درون‌گرا، فردی آرام، کناره‌گیر، علاقه‌مند به کتاب و خوددار است و از دیگران به غیر از دوستان صمیمی فاصله می‌گیرد. او علاقه‌مند به برنامه‌ریزی است. برانگیختگی را دوست ندارد. موضوعات زندگی روزمره را بسیار جدی می‌گیرد و علاقه‌مند به یک زندگی با نظم و ترتیب است. او کنترل دقیقی بر احساسات خود دارد و به ندرت از او رفتار پرخاشگرانه سر می‌زند. او به راحتی خشمگین نمی‌شود و از کوره در نمی‌رود. او فردی قابل اطمینان و تا حدی بدبین است و اهمیت زیادی برای اصول و استانداردهای اخلاقی قائل است. فرد برون‌گرا، فردی اجتماعی است، علاقه‌مند به میهمانی‌هاست. دوستان فراوانی دارد. نیازمند به صحبت کردن با دیگران است و علاقه‌ای به مطالعه و کتاب خواندن به تنهایی ندارد. او نیازمند انگیزندگی است و آن را جستجو

می‌کند. از فرصت‌ها استفاده می‌کند و به طور کلی فردی تکانشی است. او علاقه زیادی به شوخی‌های عملی دارد. حاضر جواب است و تغییر را دوست دارد. معمولاً پرخاشگر است و زود کنترل خود را از دست می‌دهد و همیشه فرد مورد اطمینانی نیست» (شمس اسفندآباد، ۱۳۹۳: ۱۰۰-۹۹).

هانس آیزنک قائل به سه بُعد شخصیتی است:

(الف) برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی (Extroversion versus introversion)

(ب) روان‌رنجورخویی در برابر ثبات هیجانی (Neuroticism versus emotional stability)

(ج) روان‌پریش‌خویی در برابر کنترل تکانه (یا عملکرد فراخود) (psychoticism versus impulse control) (شولتز و شولتز، ۱۳۹۴: ۳۶۳).

صفات ابعاد شخصیت آیزنک در جدول ذیل به طور خلاصه بیان شده‌است:

جدول شماره ۳ (همان: ۳۶۴).

صفات ابعاد شخصیت آیزنک		
برون‌گرایی / درون‌گرایی (صفات بُعد E)	روان‌رنجورخویی / ثبات هیجانی (صفات بُعد N)	روان‌پریش‌خویی / کنترل تکانه (صفات بُعد P)
معاشرتی	مضطرب	پرخاشگر
سرزنده	افسرده	سرد
فعال	احساس‌های گناه	خودمحور
جسور	عزت نفس پایین	بی‌روح
هیجان‌خواه	تنیده	تکانشی
آسوده خاطر	غیر منطقی	ضد اجتماعی
سلطه‌جو	خجالتی	خلاق
مخاطره‌جو	دمدمی	مصمم

از نظر آیزنک، کسانی که در صفات بُعد E نمره بالا می‌گیرند، با عنوان برون‌گرا طبقه‌بندی می‌شوند. با نگاهی گذرا به جدول فوق درمی‌یابیم که سعدی حداقل شش هفت صفت از هشت صفت برون‌گرایی را داراست. او با توجه به ویژگی‌هایی همانند: معاشرتی،

فعال، سرزنده، آسوده‌خاطر، هیجان‌خواه و تا حدی جسور و مخاطره‌جو بودن می‌تواند فرضیه ما را کامل کند. در ادامه برای تکمیل فرض مسئله، بیشتر به این موضوع می‌پردازیم.

۳. تیپ‌های شخصیتی برون‌گرای حسی

افرادی که در این نوع شخصیت طبقه‌بندی می‌شوند، اشخاصی بسیار هیجانی، از نظر عاطفی حساس، معاشرتی و در برقراری ارتباط با دیگران موفق و نسبت به طرز تفکر و عقیده دیگران درباره خود حساسند. افرادی در جستجوی تجربیات تازه‌تر هستند و تمرکز آنان بر لذت و خشنودی است و به دنبال فرصت لذت بردن از زندگی‌اند. این افراد به دنیای عملی‌گرایش دارند و با انواع افراد و شرایط متغیر، سازش‌پذیر و بسیار معاشرتی هستند و قابلیت‌های زیادی برای لذت بردن از زندگی دارند (همان: ۱۵۸).

سعدی شخصیتی فعال و عمل‌گرا که همواره در جستجوی تجربیات تازه است. او واژه «آمیزگار» را به جای معاشرتی به کار برده است. خود نیز انسانی بسیار معاشرتی است. فعال بودن او و جهانگرد بودن و «حشر و نشر سعدی با انواع اشخاص و تأمل در رفتار و خلیقات آنان موجب آمده که در گلستان از طبقات مختلف مردم سخن رود. نه تنها دو باب گلستان به «سیرت پادشاهان» و «اخلاق درویشان» اختصاص دارد، بلکه در خلال حکایات و روایاتی که در کتاب پراکنده است، تصویری از زندگانی مردم گوناگون را به وضوح توان دید» (یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۶). از این رو دست‌مایه اصلی گلستان، تجربه‌ها و مشاهده‌ها و معاشرت‌ها و تعامل‌ها و تأمل‌ها و گفتگوهای ارزشمندی است که در سفرهای گوناگون، به دست آمده است.

سعدی فردی سرزنده و بسیار با نشاط و معاشرتی است، نه انسانی عبوس و چهره درهم کشیده. بسیار شوخ‌طبع است؛ سراسر آثار او اعم از نظم و نثر سرشار از طنزی ظریف است. آن‌گونه که خود در پایان گلستان تصریح کرده است: «غالب گفتار سعدی طرب‌انگیز است و طیب‌آمیز و کوتاه‌نظران را بدین علت زبان طعن دراز گردد که مغز دماغ، بیهوده بردن و دود چراغ، بی‌فایده خوردن کار خردمندان نیست، ولیکن بر رای

روشن صاحب‌دلان که روی سخن در ایشان است، پوشیده نماند که دُرّ موعظه‌های شافی را در سِلک عبارت کشیده است و داروی تلخ نصیحت به شهد ظرافت بر آمیخته، تا طبع ملول ایشان از دولت قبول محروم نماند» (سعدی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). از این رو سعدی در باب معاشرتی بودن، سرزنده بودن و فعال بودن، بر پایه جدول آیزنک در صفات بُعد E نمره بالا می‌گیرد.

همچنین وی به سبب داشتن صفات جسور و مخاطره‌جو در این جدول قرار می‌گیرد. در روزگاری که کمترین انتقاد از حکومت و پادشاه و امیران سر به باد فنا دادن است، سعدی این مخاطره را بارها و بارها به جان خریده و با نصیحت و انداز حاکمان وقت جرأت و جسارت خود را نمایانده است.

مزلو (Abraham Harold Maslow) (۱۹۰۸-۱۹۷۰) در مبحث خودشکوفایی افراد سالم از رابطه افراد سالم با فرهنگ خود، یکی از اجزای استنتاجی اش این است که: «به اندازه کافی از بی‌عدالتی به خشم می‌آیند» (مزلو، ۱۳۷۵: ۲۴۱-۲۳۹). این اصل روان‌شناسی کاملاً قابل تطبیق با شخصیت سعدی است. مدایح او سرشار از سخنان اخلاقی و پند و اندرز و هشدار به ممدوح است؛ نه تنها عاری از ستایش‌های مبالغه‌آمیز است، بلکه با جرأت و شهامت به پادشاهان و امیران و دولت‌مردان پندهای پدران داده و از ظلم و تعدی و سستی در ایفای حقوق مردم بیم‌شان داده است. با شهامت و دلیری فراوان، به ممدوح درس آزادگی و اخلاق و فضیلت داده و به جای این که مداحی متملق و دروغ‌پرداز باشد، وظیفه معلمی صریح‌اللهجه و روشن‌بین و مهذب را به عهده گرفته است؛ چرا که «نصیحت پادشاهان گفتن کسی را مُسَلِّم است که بیم سر ندارد یا امید زر» (سعدی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

به نوبتند ملوک اندر این سپنج سرای کون که نوبت تُست ای ملک، به عدل گرای
چه مایه بر سر این ملک سروران بودند چو دور عمر به سر شد در آمدند از پای
(همان: ۶۴۴).

سعدی از عبارت «فرسوده روزگار» برای کسانی که اهل تجربه‌اند، استفاده کرده است. از عنفوان جوانی پای در راه کسب تجربه می‌نهد و سیر آفاق می‌کند و کم و

بیش تا اواخر عمر در جستجوی تجربیاتی جدید است؛ گرچه در کنار سیر آفاقی «سربه جیب عزلت فرو می‌برد» و از سیر انفس نیز غافل نمی‌ماند. از نظر سعدی یک عمر برای کسب تجربه کافی نیست و:

مرد هنرمند هنرپیشه را عمر دو بایست در این روزگار
تا به یکی تجربه اندوختن با دگری تجربه بردن به کار
(همان: ۱۵۲).

به طور کلی، سعدی نگاهی ژرف‌بینانه و سرشتی تجربه‌گرا و تجربه‌اندوز دارد. دو کتاب «بوستان» و «گلستان» او حاصل چندین دهه تجربه‌اندوزی اوست که توانسته است با نگاهی ژرف‌بین و روان‌شناسانه بسیاری از موضوعات جامعه روزگار خود را در آن مطرح کند و هنوز همچنان نکات اخلاقی، اجتماعی و... در روزگاران پس از او مفید فایده و اثرگذار است.

«در هنر سعدی چیزی وجود دارد که دیگر بزرگان ما از آن کمتر بهره داشته‌اند و آن آزمون‌گری و تجربه‌گرایی سعدی است در آفاق پهناور حیات و ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی و فردی؛ همان چیزی که او خود از آن به «معاملت داشتن» تعبیر می‌کند. او از سفرهای گوناگون خود و دیدارهای متنوع و تن به پیشه‌های مختلف دادن خویش در مطاوی گلستان و بوستان و دیگر آثارش پیوسته ما را آگاه کرده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۶).

دگری همین حکایت بکند که من، لیکن چو معاملت ندارد سخن آشنا نباشد
(سعدی، ۱۳۸۶: ۳۸۹).

«معاملت، معادل‌هایی چون: عمل، عملکرد، شیوه، برزش و امثال این‌ها دارد ولی بهترین آن‌ها همین «تجربه» است. می‌گوید: اصل حرف و فکر را دیگران هم بلدند بگویند اما مهم‌ترین تفاوت یا جان کلام این است که من حال یا تجربه عملی و زیستی از آن‌چه می‌گویم دارم یا به گفته امروزیان آن‌چه را می‌گویم زیسته‌ام» (حمیدیان، ۱۳۹۳: ۳۰۴).

حمیدیان بر این باور است: «که شعر و اساساً هنر چیزی به جز جهان تجارب درونی شاعر و هنرمند نیست» (همان: ۳۰۴).

راجرز (Carl Rogers) (۱۹۸۷-۱۹۰۲) از نظریه پردازان معروف شخصیت و یکی از چهره‌های اصلی در رویکرد روان‌شناسی انسان‌گرایانه در الگوی نظریه شخصیتی خود، پنج ویژگی خاص را برای انسان کامل یا خودشکופا (Self - Actualization) ارائه کرده‌است. یکی از پنج ویژگی عبارت است از آمادگی کسب تجربه و سعدی همیشه آمادگی کسب تجربه را داشته‌است:

تابه دکان و خانه در گروی هرگز ای خام آدمی نشوی
برواندر جهان تفرج کن پیش از آن روز کز جهان بروی
(سعدی، ۱۳۸۶: ۷۸).

سعدی کسی را خردمند می‌داند که جهان‌دیده است و سرد و گرم روزگار را در سفر چشیده است، آن‌گونه که خود بود:
خردمند باشد جهان‌دیده مرد که بسیار گرم آزموده است و سرد
(همان: ۱۸۷).

۴. تیپ‌های برون‌گرای شهودی

افرادی دارای توانایی‌های زیاد هستند و دم را غنیمت می‌شمرند. سعدی به راستی و به درستی انسانی است که قدر فرصت‌ها و قدر لحظه لحظه زندگی‌اش را می‌داند. او در حوضچه اکنون زندگی می‌کند و فرد زمانه خویش است. او نیز همان‌گونه که حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَأَتْتَهُمْزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ» (نهج البلاغه: ۱۰۳۸) معتقد است که بین دو عدم، حال را دریابیم:
سعدیا دی رفت و فردا همچنان موجود نیست در میان این و آن فرصت شمار امروز را
(سعدی، ۱۳۸۶: ۳۲۴).

سعدی هم همانند عارفان^۱ و صوفیان اعتقاد دارد که باید ابن‌الوقت^۲ بود:
غنیمت شمار این گرامی نفس که بی مرغ قیمت ندارد قفس
(همان: ۲۹۳).

مکن عمر ضایع به افسوس و حیف که فرصت عزیز است و «الوقتُ سیف»
(همان: ۲۹۳).

چو ما را به غفلت شده روزگار تو باری دمی چند فرصت شمار
(همان: ۲۹۰).

و کسی که عمر به غفلت سپری می‌کند و فرصت سوزی می‌کند، نادان است:
سعدیا عمر عزیز است به غفلت مگذار وقت فرصت نشود فوت مگر نادان را
(همان: ۶۷۸).

سعدی اعتقاد دارد که باید از فرصت‌ها به خوبی استفاده کرد؛ زیرا بعضی فرصت‌ها
هستند که دیگر تکرار نمی‌شوند. در دورانی که انسان هنوز کودک است می‌تواند مانند
کودکان رفتار کند. زمانی که فرد خود صاحب کودک شود، امکان «کودکی کردن»
وجود ندارد: «تا کودکان بیاوردم دیگر کودکی نکردم» (همان: ۱۰۵).

طرب نوجوان ز پیر مجوی که دگر ناید آب رفته به جوی
(همان: ۱۰۶).

در نظر سعدی فرصت‌ها همانند شب‌های قدر هستند که باید مراقب بود روزگار
آن‌ها را از ما نرباید:

قضا روزگاری ز من در ربود که هر روزی از وی شبی قدر بود
(همان: ۲۹۲).

و پیوسته به ما سفارش می‌کند: *شهرت‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
نگه دار فرصت که عالم دمی است دمی پیش دانا به از عالمی است
رمان جامع علوم انسانی
(همان: ۲۹۶).

افراد برون‌گرا مجذوب اندیشه‌هایی تازه هستند و به خلاقیت گرایش دارند. سعدی
نیز در چارچوب اندیشه‌های تعلیمی خود محصور نماند. او همچنین بسیاری از قواعد نظم و
نثر پیشینیان خود را در هم شکست و با سرودن غزل‌های عاشقانه و قصایدی با مضامین
اجتماعی صاحب سبک شد، آن‌گونه که ذکر جمیلش در افواه عوام افتاد و صیتِ سخنش
در بسیطِ زمین منتشر گشت.

خودشکوفایی بالاترین نیاز انسانی در هرّم مزلو است و منتهای آرزوی انسان و رضایت خاطرش رسیدن به بام خودشکوفایی است. مزلو دربارهٔ خلاقیت افراد خودشکوفای می‌گوید: «این ویژگی کُلّی همهٔ افرادی است که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. هیچ استثنایی هم وجود ندارد» (مزلو، ۱۳۷۵: ۲۳۷). زیبایی نظم و نثر سعدی با ساده‌ترین شکل ممکن که به آن «سهل ممتنع» گفته می‌شود، در نهایت فصاحت و بلاغت است. آن هم در روزگار و دوره‌ای که مُغلق‌نویسی و نوشتن پرتکلف و تصنع، نشان از دانش نویسنده و شاعر داشت. «سعدی با ساختارهای نحوی خویش، زبان را از روزمرگی و اتوماتیزه شدن به دور می‌کند» (مولوی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۶)؛ زیرا او به «رموز بلاغت جمله آگاه‌تر است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۹۴). خلاقیت، ابتکار، خیال‌پردازی و مهارت سعدی در خلق تصاویر زبانی بدیع و تسلط او به قواعد و ساختار زبان فارسی و عربی، صلابت و استواری، روساخت و اندیشه‌های ناب اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و... ژرف ساخت آثارش را فراهم آورده‌است. سعدی در چینه‌ش هنرمندانه هر واژه در متن با انتخاب صحیح و دقیق لفظی و معنایی، چنان خلاقیت هنری را به نمایش می‌گذارد که شاعران و نویسندگان پس از او خوشه‌چین خرم‌نری او شده‌اند. استفادهٔ عاطفی سعدی از زبان در غزلیاتش به وضوح مشهود است. از این‌رو سعدی را می‌توان طبق نظریه شخصیت‌ه‌الند (John L. Holland) (۲۰۰۸-۱۹۱۹)، نمایندهٔ تیپ شخصیت هنری (Artistic) دانست.

شخصیت هنری، به افرادی اطلاق می‌شود که به طور معمول مهارت‌های کلامی خوبی دارند و ارزش‌های این افراد استقلال، عاطفه، اصالت، خلاقیت و آزادی است. سعدی از ارکان و یکی از سه پیامبر^۳ شعر و ادبیات فارسی و «قُدوة مُتغزلان» (جامی، ۱۳۷۱: ۱۰۵) است و در سرودن نظم و نثر تواناست. حساسیت سعدی در موضوعات اجتماعی، اخلاقی و تربیتی در تمامی آثارش مشهود است. کتاب بوستان او نمونه کاملی از آرمان‌گرایی سعدی است که در آن به دنبال مدینه فاضله است. تلفیق نظم و نثر به شکل کامل و اعجاب‌انگیز در حد اعلای فصاحت و بلاغت از ابتکارات سعدی است. آن‌گونه که بسیاری شاعران و نویسندگان در مقام تقلید در پی تألیف اثری چونان گلستان شدند اما حاصل کار جز

پیشانی چیزی نبود.^۴ آثار سعدی سرشار از خلاقیت، خیال‌پردازی است و در خلق تصاویر، مهارت دارد. تسلط سعدی به قواعد زبان فارسی و ساختار زبان چه فارسی و چه عربی، بسیار زیاد است. زبان سعدی زبانی عاطفی است که با انتخاب صحیح و ظریف واژگان و توازن موسیقایی متناسب با مضمون و چینش دقیق کلمات هم از لحاظ لفظ و هم از لحاظ معنا مهارت و توانایی خود را در سطح بسیار بالایی آشکار کرده‌است. نحو‌گفتار سعدی به گونه‌ای است که در روان‌ترین حالت قرار دارد و زبان معیار شده‌است. سعدی در کلام خود از زبان طبیعی بهره گرفته و به محاورات روزمره بسیار نزدیک است. او فاصله شعر و نثر را از بین برده‌است. کلام منثور او در گلستان دارای وزن و آهنگ عروضی می‌شود. سهل و ممتنع بودن کلام سعدی فطری‌ترین بخش وجودی و شخصیت کلامش را آشکار می‌سازد. از آوردن مثال‌های بی‌شمار سهل و ممتنع بودن کلام سعدی درمی‌گذریم.

شفیعی کدکنی در موسیقی شعر، بسیاری از خلاقیت‌های شعری فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی را تحلیل کرده‌است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۵-۳۱). خلاقیتی که سعدی در «تکرارهای نامرئی» دارد، کمتر شاعر و نویسنده‌ای آن را به کار بسته است. «هنر سعدی از همین واوها و آلهای به‌ظاهر ساده شروع می‌شود تا پیچیده‌ترین ساختارهایی که خواننده را به شگفت وامی‌دارد و به یک اعتبار، بسیاری از هنرنمایی‌های دیگر او هم مرتبط با همین ساختارهای نحوی است» (همان: ۳۵-۳۴). اگر به تک‌تک موارد خلاقیت سعدی در شعر و نثرش بپردازیم از بحث اصلی دور خواهیم شد. این افراد الگو و الهام‌بخش دیگران در مسیر موفقیت و پیشرفت هستند. سبک هنری سعدی و بسیاری از اعتقادات کلامی او الهام‌بخش شاعران و نویسندگان پس از او شد. آثار زیادی به تقلید و به پیروی از آثار سعدی خاصه گلستان نوشته شده‌است که از آن میان بهارستان جامی، پریشان قاسمی، روضه خلد مجد خوافی و منشآت قائم مقام فراهانی مهم‌ترین آن‌ها هستند.

رفتار خردمندانه از دیگر ویژگی این تیپ شخصیتی است. سعدی علی‌رغم محصور بودن در چارچوب اندیشه‌های اشعری که نفی خرد است، از خرد دفاع می‌کند:

خردمند گو پادشاهش مباح که خود پادشاهست بر نفس خویش

(سعدی، ۱۳۸۶: ۷۲۱).

رسم و آیین پادشاهان است که خردمند را عزیز کنند
وز پس عهد او وفاداری با خردمندزاده کنند
(همان: ۷۱۳).

سعدی پایگاه افراد را بر پایه سنجش خردشان و به قدر هنرشان می‌داند:
به عقلش بیاید نخست آزمود به قدر هنرش پایگاهش فزود
(همان: ۱۵۹).

از این رو از دیدگاه سعدی «خردمند مردم هنر پرورند» (همان: ۲۵۴) و یکی از اندیشه‌های تربیتی سعدی در باب پروردن فرزند این است که «خردمند و پرهیزگارش بر آر» (همان: ۲۷۲).

و در جای دیگر خرد را جمال مُلک می‌داند: «ملک از خردمندان جمال گیرد و دین از پرهیزگاران کمال یابد. پادشاهان به صحبت خردمندان از آن محتاج‌ترند که خردمندان به قربت پادشاهان

پندی اگر بشنوی ای پادشاه در همه عالم به از این پند نیست
جز به خردمند مفرما عمل گرچه عمل کار خردمند نیست»
(همان: ۱۲۲).

سعدی شاعری برون‌گراست و این برون‌گرایی را در نگاه او به طبیعت و حقیقت که غالباً متوجه عناصر طبیعی و بیرونی است، می‌توان به وضوح دید. در میث خودشکوفایی، «پذیرش خود، دیگران و طبیعت» یکی از اصول خودشکوفایی مزلو است. افراد خودشکופا، خودشان و دیگران را همان‌گونه که هستند قبول دارند. آن‌ها قادرند از زندگی لذت ببرند بدون آنکه مرتکب خلافتی شوند. آن‌ها به دیگران بدون توجه به سابقه، وضعیت فعلی یا سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی، به‌طور یکسان نگاه می‌کنند. «آن‌ها می‌توانند فطرت بشری خودشان را با همه نقایصش، و با همه تفاوت‌هایش با صورت مثالی (Ideal Image) بپذیرند. کسی از خیس بودن آب یا از سختی صخره‌ها یا از سبزی درختان شکایت نمی‌کند» (مزلو، ۱۳۷۵: ۲۱۹). فرد خودشکופا همانند کودکان، معصومانه به جهان

هستی می‌نگرد، بی‌آنکه خواستار دگرگونی آن باشد. این البته همانند حالت انزوا و تسلیم به مفهوم شرقی کلمه نیست. در این افراد حالت دفاعی، ظاهرسازی و نقش‌بازی کردن وجود ندارد، آن‌ها به اعمال تصنعی دیگران، ریا و تزویر، نفاق و گستاخی بی‌رغبت هستند (همان). سعدی بر پایه نظریه مزلو نگاه بیرون‌گرا دارد و شیفته و دل‌بسته طبیعت است (مهدوی دامغانی و صادقی، ۱۳۹۷: ۳۶ - ۱). احساسی که سعدی به طبیعت دارد، یادآور شاعران سبک خراسانی است. «احساس طبیعت در نظر سعدی نشانه‌هایی از لطافت دارد... سعدی در طبیعت جذب نمی‌شود و نمی‌تواند خود را از یاد ببرد... احساس سعدی از طبیعت احساسی را فریاد می‌آورد که در قرن هفدهم در بعضی از نامه‌های مادام دوسوینیه بیان شده است» (ماسه، ۱۳۶۴: ۲۷۴).

در مثال‌های زیر می‌بینیم که سعدی چقدر طبیعی و بی‌آنکه به ذوق بزند، انواع گل و گیاه و پرند و دیگر عناصر طبیعت را در سخنش گنجانیده و مقصودش را بیان کرده است. هر گه که نظر بر «گل» رویت فکنم خواهم که چو «نرگس» مژه بر هم نزنم و بر بی‌تو میان «ارغوان» و «سمنم» بنشینم و چون «بنفشه» سر بر نکنم (سعدی، ۱۳۸۶: ۵۷۸).

«باد بهاری» وزید، از طرف مرغزار باز به گردون رسید، ناله هر «مرغ» زار
 «سرو» شد افراخته، کار «چمن» ساخته نعره زنان «فاخته»، بر سر «بید» و «چنار»
 «گل» به «چمن» در بر است، «ماه» مگر یا «خور» است «سرو» به رقص اندر است، بر طرف «جویبار»
 «شاخ» که با «میوه» هاست، «سنگ» به پا می‌خورد «بید» مگر فارغ است، از ستم نابکار
 شیوه «نرگس» ببین، نزد «بنفشه» نشین «سوسن» رعنا گزین، «زرد شقایق» بیار
 خیز و غنیمت شمار، جنبش «باد ربیع» ناله موزون «مرغ»، بوی خوش «لاله‌زار»
 هر «گل» و «برگی» که هست، یاد خدا می‌کند «بلبل» و «قمری» چه خواند؟ یاد خداوندگار
 «برگ» درختان سبز، پیش خداوند هوش هر «ورقی» دفتری‌ست، معرفت کردگار
 «بلبل» دستان بخوان، «مرغ» خوش‌الحان بدان «طوطی» شکر‌فشان، نقل به مجلس بیار
 بر طرف «کوه» و «دشت» روز طواف است و گشت وقت «بت»، گفته سعدی بیار
 (همان: ۵۸۸؛ به نقل از یزدان‌پرست، ۱۳۹۴: ۵۱-۴۴).

از آنجا که جهان جلوه گاه جهان آفرین است، سعدی از هر کدام به یاد دیگری می‌افتد. هم طبیعت برایش یادآور یار است و هم یار، یاد طبیعت را در دلش زنده می‌کند:
 ز رنگ لاله مرا روی دلبر آید یاد ز شکل سبزه مرا یاد خط یار آید
 (همان: ۴۲۰).

بلبل سماع بر گل بستان همی کند من بر گل شقایق رخسار می‌کنم
 (همان: ۴۷۳).

در قصیده زیر نیز پیوستگی و حتی همانندی میان محبوب و طبیعت را نشان می‌دهد:
 کدام باغ به دیدار دوستان ماند؟ کسی بهشت نگوید به بوستان ماند
 درخت قامت سیمین برت مگر طویاست که هیچ سرو ندیدم که این بدان ماند
 گل دوروی به یک روی با تو دعوی کرد دگر ز رخس ز خجالت به زعفران ماند
 کجاست آن که به انگشت می نمود هلال کز ابروان تو انگشت بر دهان ماند
 هر آن که روی تو بیند برابر خورشید میان رویت و خورشید در گمان ماند
 شگفت نیست دلم چون انار اگر بگفد که قطره قطره خونش به ناردان ماند
 ... اگر تو روی به هم درکشی چو ناله مشک طمع مدار که بوی خوشت نهان ماند
 تو مرده زنده کنی گر به عهد باز آیی که عود یار گرامی به عود جان ماند
 (همان: ۶۱۶).

البته که او در سطح کلام نمی‌ماند و از بهار طبیعت به بهار جان و لقای جانان گریز می‌زند. برای مثال در غزل «درخت غنچه بر آورد و بلبلان مستند...» پس از اینکه می‌گوید:
 «بساط سبزه لگد کوب شد به پای نشاط / ز بس که عارف و عامی به رقص برجستند»،
 یادآور می‌شود:

یکی درخت گل اندر فضای خلوت ماست که سروهای چمن پیش قامتش پستند
 اگر جهان همه دشمن شود، به دولت دوست خیر ندارم از ایشان که در جهان هستند
 (همان: ۴۰۱؛ به نقل از یزدان پرست، ۱۳۹۴: ۵۱-۴۴)

و از اینجا راهی به سوی عرفان و اشراق می‌گشاید و آن را با خالق طبیعت پیوند می‌زند:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم ازوست
(سعدی، ۱۳۸۶: ۶۸۰).

«برون‌گراها باور دارند که رویدادهای زندگی آنها به مقدار زیاد به وسیله رویدادهایی کنترل می‌شود که آنها مقدار کمی یا هیچ کنترلی بر آنها ندارند» (شمس اسفندآباد، ۱۳۹۳: ۱۰۰). سعدی اشعری مذهب است و در مذهب اشعری اصل بر انزوا و تسلیم محض است. جبری بودن از ویژگی‌های این مذهب است. اشعریت همه را کاسب فعل‌الله می‌داند. بر این اساس، سعدی با توجه به اشعری بودن و اعتقادش به جبرگرایی می‌تواند مصداقی صادق بر این دیدگاه باشد.

مطابق مطالعات روان‌شناسی انجام شده، افراد برون‌گرا بیشتر از افراد درون‌گرا شاد هستند. «ارتباط شادی و برون‌گرایی آن‌قدر قوی است که برخی صاحب‌نظران، ارتباط برون‌گرایی و شادمانی را با ارائه فرضیه وجود ژن شادمانی توضیح می‌دهند» (Lupri & Freideres, 1999, P.12)؛ به نقل از بخشایش و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۸۴). سعدی انسانی کاملاً شاد است و پیام‌آور شادی. شاد بودن و شادی‌گرایی سعدی نیز گواهی بر برون‌گرا بودن شخصیت وی است.

به اعتقاد روان‌شناسان برون‌گرایی با احساسات مثبت در ارتباط است. از این رو افراد دارای شخصیت برون‌گرا، به طور معمول شادتر از دیگران هستند. در واقع مطالعات نشان داده که می‌توان گفت - به صورت دقیق‌تر و علمی‌تر - که افراد برون‌گرا احساسات مثبت بیشتری را نسبت به افراد درون‌گرا تجربه می‌کنند. روان‌شناسی جدید، شادی و گرایش به انبساط خاطر را یکی از نشانه‌های افراد سالم می‌داند. «روان‌شناسی مثبت‌نگر (Positive Psychology) در اواخر دهه ۱۹۹۰ به وسیله سلیگمن (Martin Seligman) (۱۹۴۲) در مدتی که رئیس انجمن روان‌شناسی آمریکا بود، شکل گرفت» (شولتز و شولتز، ۱۳۹۴: ۶۰۱).

ارتباط شادی با برون‌گرایی آنقدر مسلم و قوی است که برخی از صاحب‌نظران تعریف شادی را بدون در نظر گرفتن برون‌گرایی صحیح نمی‌دانند و تعریف خود از شادی را این‌گونه بیان می‌کنند: «شادی چیزی است به نام برون‌گرایی ثابت» (میرشاه جعفری و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۸-۵۰).

سعدی گفتار خود را طرب‌انگیز و طیبیت آمیز می‌داند. نام دو اثر سعدی، خود یادآور شادی است. اگر گل‌های گلستان و بوستان‌های دیگر عمر کوتاهی دارند، گلستان و بوستان سعدی همیشه خوش است:

به چه کار آیدت ز گل طبقی از گلستان من بی‌رورقی
گل همین پنج روز و شش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد
(سعدی، ۱۳۸۶: ۲۱).

«کاستا، مک کرای و نوریس (Costa, McCrae & Norris) (۱۹۸۷) نیز با انجام یک پژوهش طولی گزارش کردند که برون‌گرایی می‌تواند وجود عاطفه مثبت و شادی ۱۷ سال بعد فرد را پیش‌بینی کند. ارتباط شادی و برون‌گرایی آن قدر مسلم و قوی است که برخی صاحب‌نظران، برون‌گرایی و شادمانی را با ارائه فرضیه وجود ژن شادمانی توضیح می‌دهند (Lupri & Freideres, 1999. P. 12) به نقل از بخشایش و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۸۴). بسامد و تکرار واژگان شاد، شادی، عشق، خرمی، ذوق، مشتاق، مشتاقی و بسیاری واژگان مشابه در دایره شعر سعدی گسترده است.

زبان سعدی زبان عشق است. عشق در ذات و نهاد و شخصیتش نهادینه شده است. او همیشه از عشق سخن می‌گوید و هر بار به زبانی:

حدیث حُسن خویش از دیگری پرس که سعدی در تو حیران است و مدهوش
مرا مجال سخن بیش در بیان تو نیست کمال حُسن ببندد زبان گویایی
بسی مطالعه کردیم نقش عالم را ز هر که در نظر آید به حسن، ممتازی
(سعدی، ۱۳۸۶: ۵۰۵).

سعدی به استفاده از اوزان دوری که طرب‌انگیز و رقص آور است، علاقه ویژه‌ای دارد (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۸۳).

واژه عشق ۵۰۲ بار، عاشق ۱۶۴ بار، مست ۱۰۳ بار، جمال ۸۵ بار، مشتاق و مشتاقی ۵۱ بار، معشوق و معشوقه ۴۰ بار، خرم ۳۲ بار، ذوق ۲۲ بار، مستی ۲۱ بار و شادی ۱۷ بار، فقط در غزلیات سعدی به کار رفته است (صدیقیان، ۱۳۷۸: ذیل مدخل‌های مذکور) و این هم نشان از میزان علاقه و توجه سعدی به شادی دارد.

«وارت (۲۰۰۱) عزت نفس را اساسی‌ترین عامل شادی می‌داند و ویلسون (۱۹۶۷) گزارش کرده که عزت نفس یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌های شادی است. تأثیر این عوامل

در شادمانی به قدری زیاد است که آرجیل (۲۰۰۱) به عنوان یکی از صاحب‌نظران روان‌شناسی شادی، آن را جزء جدایی‌ناپذیر شادی می‌داند» (همان). عزت نفس (Self-Esteem) اصطلاحی در روان‌شناسی است و آن به میزان اهمیت، اعتبار و ارزشی که فرد برای خود قایل است، بستگی دارد. سعدی از جمله شاعران ادب فارسی است که عزت نفس در او به عالی‌ترین شکل تجلی و تبلور یافته‌است. یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌های عزت نفس سعدی، نیالودن زبان به مدح امیران و حاکمان وقت و روزگار خود است. او برخلاف انوری، حتی در روزگار بیکار ماندن و سختی کشیدن برای وجه معیشت، عزت نفس خویش را پاس داشت و هم‌چنان پای در دامان ریاضت کشید و خلاف معرفت و رای روشن خویش عمل نکرد:

گویند سعدیا به چه بطلال مانده‌ای	سختی مبر که وجه کفافت معیست
این دست سلطنت که تو داری به ملک شعر	پای ریاضت به چه در قید دامنست؟
یک چند اگر مدیح کنی کامران شوی	صاحب هنر که مال ندارد تغابنست
بی‌زر میسرت نشود کام دوستان	چون کام دوستان ندهی کام دشمنست
آری مثل به کرکس مردارخور زدند	سیمرخ را که قاف قناعت نشیمنست
از من نیاید آنکه به دهقان و کدخدای	حاجت برم که فعل گدایان خرم‌نست
گر گوئیم که سوزنی از سفله‌ای بخواه	چون خارپشت بر بدنم موی، سوزنست
گفتی رضای دوست میسر شود به سیم	این هم خلاف معرفت و رای روشنست
صد گنج شایگان به بهای جوی هنر	منت بر آنکه می‌دهد و حیف بر منست
کز جور شاهدان بر منعم برند عجز	من فارغم که شاهد من منعم منست

(سعدی، ۱۳۸۶: ۷۰۵).

در حکایتی در بوستان «در معنی عزت نفس مردان» آورده است: زمانی «سگی پای صحرا نشینی گزید» و دخترکش از او می‌پرسد که چرا پدر عمل متقابل انجام نداده و ای سگ را گاز نگرفته است. پدر در پاسخ می‌گوید:

مرا گر چه هم سلطنت بود و بیش در ریغ آمدم کام و دندان خویش

محال است اگر تیغ بر سر خورم که دندان به پای سنگ اندر برم
(همان: ۲۳۴).

و در گلستان نیز عزت نفس را از زبان پیر خار کن به ما می آموزاند که به مهمانی
حاتم طایی نمی رود و نان از عمل خویش می خورد (همان: ۷۲).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

برون‌گرایی (Extraversion) و درون‌گرایی (Introversion) صفتهای شخصیتی در نظریه شخصیت انسان است. این دیدگاه توسط کارل گوستاو یونگ در سال ۱۹۲۰ میلادی عمومیت یافت.

سعدی بر پایه آثارش و تحلیل روان‌شناختی آنها، شخصیتی برون‌گرا دارد. دلایل برون‌گرا بودن شخصیت سعدی را می‌توان به شرح ذیل توضیح داد:

ویژگی شخصیتی سعدی بر اساس تیپ‌های هشت‌گانه شخصیتی یونگ، به دو تیپ شخصیتی برون‌گرای حسی و برون‌گرای شهودی نزدیک‌تر است.

افرادی که در نوع شخصیت تیپ‌های شخصیتی برون‌گرای حسی طبقه‌بندی می‌شوند، اشخاصی بسیار هیجانی، از نظر عاطفی حساس، معاشرتی و در برقراری ارتباط با دیگران موفق و نسبت به طرز تفکر و عقیده دیگران درباره خود حساسند. آنها افرادی در جستجوی تجربیات تازه‌تر هستند و تمرکزشان بر لذت و خشنودی است و به دنبال فرصت لذت بردن از زندگی‌اند.

سعدی نیز همواره در پی کسب تجربیات جدید بوده‌است و دو عمر از خدا می‌طلبید تا با عمر اول، تجربه کسب کند. سفرهای مکرر و سی ساله او در راستای چنین هدفی بوده‌است. سعدی نگاهی ژرف‌بینانه و سرشتی تجربه‌گرا و تجربه‌اندوز دارد. دو کتاب بوستان و گلستان او حاصل چندین دهه تجربه‌اندوزی اوست که توانسته است با نگاهی ژرف‌بین و روان‌شناسانه بسیاری از موضوعات جامعه روزگار خود را در آن مطرح کند که هنوز هم نکات اخلاقی، اجتماعی و... بیان شده‌اند، دارای فایده و اثرگذار است.

افرادی که در نوع شخصیت تیپ‌های برون‌گرای شهودی طبقه‌بندی می‌شوند، افرادی دارای توانایی‌های زیاد هستند و دم را غنیمت می‌شمرند. سعدی به راستی و به درستی انسانی است که قدر فرصت‌ها و قدر لحظه لحظه زندگی‌اش را می‌داند.

سعدی بر اساس توصیف آیزنک نیز فردی برون‌گرا محسوب می‌شود. سعدی حداقل شش هفت صفت از هشت صفت برون‌گرایی آیزنک را داراست. او انسانی معاشرتی، فعال، سرزنده، آسوده‌خاطر، هیجان‌خواه و تا حدی جسور و مخاطره‌جوست.

افراد برون‌گرا مجذوب اندیشه‌هایی تازه هستند و به خلاقیت گرایش دارند. سعدی نیز در چارچوب اندیشه‌های تعلیمی خود محصور نمانده‌است. او همچنین بسیاری از قواعد

نظم و نثر پیشینیان خود را در هم شکست و با سرودن غزل‌های عاشقانه و قصایدی با مضامین اجتماعی صاحب سبک و مشهور شد.

افراد برون‌گرا نگاه ویژه‌ای به طبیعت دارند. سعدی شاعری برون‌گراست و این برون‌گرایی را در نگاه او به طبیعت و حقیقت که اغلب متوجه عناصر طبیعی و بیرونی است، می‌توان به وضوح دید.

شادی‌گرایی سعدی از مواردی است که مؤید برون‌گرایی شخصیت اوست. به اعتقاد روان‌شناسان، برون‌گرایی با احساسات مثبت در ارتباط است. از این‌رو افراد دارای شخصیت برون‌گرا، شادتر از دیگران هستند. بسامد و تکرار واژگان شاد، شادی، عشق، خرمی، ذوق، مشتاق، مشتاقی و بسیاری واژگان مشابه در دایره شعر سعدی گسترده است و این نشان از میزان علاقه و توجه سعدی به شادی دارد.

روان‌شناسان عزت‌نفس را اساسی‌ترین عامل شادی می‌دانند. عزت‌نفس در سعدی در عالی‌ترین شکل ممکن تجلی و تبلور یافته است. او هیچ‌گاه زبان به مدح حاکمان و امیران نگشود؛ حتی در روزگار بیکار ماندن و سختی کشیدن برای وجه معیشت، عزت‌نفس خویش را پاس داشت و هم‌چنان پای در دامان ریاضت کشید و خلاف معرفت و رای روشن خویش عمل نکرد.

پی‌نوشت

۱. سعدی عارف نیست اما در پاره‌ای از موارد به آن‌ها نزدیک می‌شود و از اصطلاحات آن‌ها بهره می‌گیرد. مفهوم «وقت» در اصطلاح عرفانی آن با «حال» پیوند دارد. او در حکایت: «یکی پرسید از آن گم کرده فرزند» اشاره می‌کند که «احوال» (= جمع حال) برق جهنده است که دمی پیدا و دیگر دم نماند است. از این روست که «اگر درویش در حالی بماندی/ سر دست از دو عالم برفشاندی» (سعدی، ۱۳۸۶: ۵۲).
۲. صوفی ابن‌الوقت باشد ای رفیق/ نیست فردا گفتن از شرط طریق (مولوی، ۱۳۷۱، دفتر اول: ۷).
- ۳.

در شعر سه کس پیمبرانند هرچند که لا نبی بعدی
اوصاف و قصیده و غزل را فردوسی و انوری و سعدی
(جامی، ۱۳۷۱: ۱۰۵).

۴. از جمله کتاب‌هایی که به تقلید از گلستان نوشته شده، کتاب «پریشان» قآنی است که جلال‌الدین همایی در این باره نوشته است: ظریفی گفته بود: آن پریشان‌ها که سعدی در گلستان نگفت و گفت: «دفتر از گفته‌های پریشان بشویم و من بعد پریشان نگویم»، قآنی در این کتاب گفته است» (همایی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۵۲).

منابع و مآخذ

- نهج البلاغه. (۱۳۸۶). ترجمه محمدتقی جعفری. تهران: تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- اشرف‌زاده، رضا و علی روح‌بخش مبصری. (۱۳۹۵). «روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی روان در داستان رستم و سهراب». فصل‌نامه تخصصی ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد. دوره ۱۲. شماره ۷. صص: ۱۵۴-۱۲۳.
- بخشایش، علیرضا؛ مهناز مرتضوی و محمد حائری. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی مفهوم شادی و نشاط از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی». فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی. سال اول. شماره ۱. زمستان ۱۳۹۰. صص: ۱۰۱-۸۴.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۷۱). بهارستان. به تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: اطلاعات.
- حمیدیان، سعید. (۱۳۹۳). سعدی در غزل. تهران: نیلوفر.
- حیدری، علی. (۱۳۹۲). «دگرگونی سعدی در غزل». پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان. سال یازدهم. شماره ۲۱. صص: ۱۰۲-۸۳.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۶). کلیات سعدی. تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: برگ‌نگار.
- _____ (۱۳۸۷). گلستان سعدی. تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۴). «سعدی در سلاسل جوانمردان». مجله مطالعات عرفانی. شماره ۲. صص: ۱۶-۵.
- _____ (۱۳۸۵). موسیقی شعر. تهران: آگاه.
- شمس اسفندآباد، حسن. (۱۳۹۳). روان‌شناسی تفاوت‌های فردی. تهران: سمت.
- شولتز، دوان پی و سیدنی‌الن شولتز. (۱۳۹۴). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی. ویراست دهم. تهران: نشر ویرایش.
- صدیقیان، مهین‌دخت. (۱۳۷۸). فرهنگ واژه‌نمای غزلیات سعدی به انضمام فرهنگ بسامدی. ۳ جلد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فیست، جس و گریگوری جی فیست. (۱۳۸۸). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: روان.
- ماسه، هانری. (۱۳۶۴). تحقیق درباره سعدی. ترجمه محمدحسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی. تهران: توس.
- مزلو، اچ ابراهام. (۱۳۷۵). انگیزش و شخصیت. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۱). مثنوی معنوی. به سعی و اهتمام رینولد الین نیکلسون. تهران: امیرکبیر.

- _____ (۱۳۸۷). غزلیات شمس تبریز. مقدمه، گزینش و تفسیر محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- مهدوی دامغانی، محمود و علی‌رضا صادقی. (۱۳۹۷). «انسان خودشکوفا و خودشکوفایی سعدی با رویکرد تطبیقی به نظریهٔ مزلو». پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان. سال دهم. شماره چهارم. صص: ۳۶-۱.
- میرشاه جعفری، ابراهیم و دیگران. (۱۳۸۱). «شادمانی و عوامل مؤثر بر آن». فصل‌نامه تازه‌های علوم شناختی، مؤسسه آموزش عالی علوم شناختی. سال ۴. شماره ۳. صص: ۵۸-۵۰.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۹). مقالات ادبی. جلد اول. تهران: نشر هما.
- یزدان‌پرست، حمید. (۱۳۹۴). «سعدی و طبیعت دوستی». تهران: دو فصلنامه اطلاعات حکمت و معرفت. سال دهم. شماره ۲. صص: ۵۱-۴۴.

References

- Ashrafzadeh, Reza and Ali Rouhbakhs Mobasseri. (1395). Psychology of language and Linguistics Psych in the story of Rostam and Sohrab. Persian Literature Professional Quarterly. Islamic Azad University, Mashhad Branch. Volume 12. Issue 7. Pp: 123-154.
- Bakhshayesh, Alireza and Mahnaz Mortazavi and Muhammad Haeri. (1390). A Comparative Study of the Concept of Happiness from the Perspective of Islam and Psychology. Tehran: Culture Quarterly at Islamic University. 1th. year. Issue 1. Winter 1390. Pp: 84-101.
- Feist, Jess and Gregory J Feist. (1388). Theories of Personality. Translated by Yahya Seyed Muhammadi. Tehran: Ravan.
- Hamidiyan, Saeed. (1393). Sa'di in Ghazal. Tehran: Niloufar.
- Heidari, Ali. (1392). Sa'di Transformation in Ghazal. Journal Lyrical Literature, Sistan and Baluchestan University. 11th. year. Issue 21. Pp: 83-102.
- Homayi, Jalaluddin. (1369). Maghalat_e Adabi (Literary articles). first volume. Tehran: Homa Publishing.
- Jami, Nural-Din Abdul Rahman. (1371). Baharestan. Corrected by Ismail Hakemi. Tehran: Ettela'at.
- Mahdavi Damghani, Mahmoud and Alireza Sadeqi. (1397). self-actualization Human and self-actualizing of Sa'di by an adaptive approach to Maslow's theory. Journal of Didactic Literature, Islamic Azad University, Dehaghan Branch. 10th year. Issue 40. Pp: 1-36.
- Maslow, H. Abraham. (1375). Motivation and personality. Translated by Ahmad Rezvani. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Masse, Henri. (1364). Research on Sa'di. Translated by Muhammad Hasan Mahdavi Ardabili and Gholam Hossein Yousefi. Tehran: Toos.
- Mirshah Jafari, Ibrahim and others. (1381). Happiness and the factors affecting it. Cognitive Science News Quarterly, Institute of Higher Education of Cognitive Sciences. 4th Year. Issue 3. Pp.50-58.

- Nahj al-Balagheh. (1386). Translated by Muhammad Taghi Ja'fari. Tehran: Ta'avini Kar Afarinan Farhang va Honar (Cooperative of Culture and Art Entrepreneurs).
- Rumi, Jalaluddin Muhammad. (1371). Masnavi. Corrected by Reynold Allen Nicholson. Tehran: Amirkabir.
- _____. (1387). Shams Tabriz's Ghazals. Introduction, selection and interpretation: Muhammad Reza Shafi'i Kadkani. Tehran: Sokhan.
- Sa'di, Mosleh al-Din. (1387). Sa'di's Golestan. Correction and explanation: Gholam Hossein Yousefi. Tehran: Kharazmi.
- _____. (1386). Kolliat-e Sa'di. Corrected by Muhammad Ali Foroughi. Tehran: Bargnegar.
- Schultz, Duane P. and Sydney Ellen Schultz. (1394). Theories of Personality. Translated by Yahya Seyed Muhammadi. 10th edition. Tehran: Virayesh.
- Sedighyan, Mahindokht. (1378). Dictionary of Saadi's lyric poems, including frequency culture. 3 vols. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Shafi'i Kadkani, Muhammad Reza. (1380). Sa'di Dar Salasel-e Javanmardan (Sa'di in the category of chivalrous). Journal of Mystical Studies. Issue 2. Pp: 5-16.
- _____. (1380). Persian Poetry Periods. Tehran: Sokhan.
- _____. (1380). Poetry music. Tehran: Agah.
- Shams Esfandabad, Hasan. (1393). Individual Differences in Psychology. Tehran: Samat.
- Yazdanparast, Hamid. (1394). Sa'di and nature friendship. Tehran: Two-Quarterly Information of Wisdom and Knowledge. 10th year. Issue 2. Pp: 44-51.